

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: مجله هفته

۲۳ می ۲۰۱۹

## "ژاکوبین" از جلو به ونزوئلا خنجر می‌زند



به نظر هتلند رامحل بحران در برکنار کردن دولت ونزوئلا قرار دارد؛ مگر نه این‌که این دولت ونزوئلا است که به طرز بسیار آزار دهنده‌ای در وهله نخست بحران را به وجود آورده است؟ از این حکم این نتیجه حاصل می‌شود که برانداختن دولت ونزوئلا بحران را از بین خواهد برد. بر این اساس، هتلند، یک «گذار مسالمت‌آمیز» را توصیه می‌نماید. اما نمی‌گوید گذار به چه مادام که مادورو برود بی‌طرفی دروغین هتلند خوشحال خواهد بود. همین‌طور هم مایک پمپئو، جان بولتون، و الیوت ابرامز.

\*\*\*\*\*

در پی یک تلاش دیگر واشنگتن برای مهندسی کودتا در ونزوئلا، ژاکوبین، گاهنامه‌ای که خود را «صدای اصلی چپ امریکائی» معرفی می‌کند، حمله جدیدی را علیه انقلاب بولیواری منتشر کرده است. به مصداق کنایه اسکار وایلد که می‌گوید: «دشمنان از پشت به تو خنجر می‌زنند، اما دوستان از جلو»، گابریل هتلند نویسنده ژاکوبین پس از اسراف در لفاظی پیرامون همبستگی چپ، خنجر خود را مستقیماً از جلو وارد می‌کند. استاد

دانشگاه البانی، یک مأمور دیگر امپریالیسم که با نقاب یک جان زیبا ظاهر می‌شود، کاری را انجام می‌دهد که صف طولانی امپریالیست‌های «چپ» پیش از او انجام داده اند: توصیه علیه حمایت از آن‌هایی که برای غلبه بر دولت‌های خود امپریالیست‌های «چپ» متشکل شده اند.

هتلند در نوشتار «ونزوئلا و چپ» به مقاله‌ای به نام «چرا ونزوئلا در بحران است؟» که در سال ۲۰۱۶ برای مجله «نیشن» نوشت، اشاره می‌کند. نویسنده ژاکوبن در آن مقاله «به غیرممکن بودن تفکیک جوانب «داخلی» و «بین‌المللی» بحران» در ونزوئلا اشاره نموده، می‌گوید: «دولت نه در خلاء، بلکه در محیط خصمانه داخلی و بین‌المللی کار کرده است.»

شخص منطقی ممکن است با این موافق باشد. محیط خصمانه داخلی و بین‌المللی ساختار طیف پاسخ‌های ممکن دولت ونزوئلا را تعیین کرده است، و ما نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن محیطی که دولت در آن عمل کرده است، اقدامات دولت را درک نموده یا ارزیابی نمائیم. شخص ممکن است نتیجه بگیرد که هتلند فردی منطقی است.

اما، او بلافاصله پس از اذعان به تقریباً غیرممکن بودن تفکیک جوانب داخلی و بین‌المللی بحران، بریدن گره گوردونی را اعلام می‌نماید. او به ما می‌گوید: «تا حد شگفت‌انگیزی بحران ونزوئلا را خود دولت به وجود آورده است.» و پس از آن، محیط داخلی و بین‌المللی ناپدید شده، هرگز افکار او را آزوده نمی‌سازد.

به گفته این جامعه‌شناس سیاسی «چاوز مرتکب اشتباهات بزرگی شد که امروز گریبان ونزوئلا را گرفته اند. به ویژه، او نتوانست به طور مؤثر با فساد برخورد نماید، کنترل‌های ارزی را پس از آن‌که به هدف خود رسیدند از میان بردارد، و ونزوئلا را از وابستگی شدید به نفت رها سازد.»

بدون تردید، چاوز اشتباهاتی داشت. اما چیزی که هتلند اشتباهات چاوز می‌نامد ابدأ اشتباه نبوده، بلکه قصور او در معجزه کردن است. هتلند قطع وابستگی شدید ونزوئلا به نفت را به مثابه اهرمی نشان می‌دهد که چاوز می‌توانست آن را بکشد، اما نکشید. در تفکر هتلند چاوز یک گزینه دوگانه داشت: وابستگی به نفت را قطع کند یا به آن ادامه دهد، و رهبر ونزوئلا به جای پایان دادن به آن ادامه آن را برگزید، و نتیجتاً اشتباه بزرگی مرتکب شد.

آیا هتلند واقعاً باور دارد که برای ونزوئلا ممکن بود در عرض کمی بیش از ده سال که چاوز در قدرت بود، در یک محیط خصمانه داخلی و بین‌المللی، خود را از وابستگی شدید به نفت رها سازد؟ اگر این‌طور است، او در سیاره خیال‌پرستان زندگی می‌کند. یازده سالی که چاوز رئیس‌جمهور بود به جای خود، در نیم قرن گذشته چند کشور تولیدکننده بزرگ نفت توانسته اند با موفقیت خود را از وابستگی به نفت رها سازند؟

شاید چگونگی قطع وابستگی یک کشور به نفت در دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه البانی—که مطمئناً یکی از بهترین مؤسسات آموزش عالی در جهان می‌باشد—آگاهی عمومی است، اما رمز و راز آن برای انسان‌های عادی شکافته نشده است. من مانند باقی جهان، نفس در سینه حبس کرده، منتظر می‌مانم تا رساله هتلند درباره انجام این کار ظاهراً ساده از کوه آلپ نازل شود.

همین را می‌توان درباره فساد گفت.

هتلند به نظر می‌رسد چنین فکر می‌کند که فساد در کشورهای جهان سوم را می‌توان به آسانی ریشه‌کن نمود، گویا فقط باید اهرمی را کشید، و شرم، فساد به پایان می‌رسد. اگر ما شبیه هتلند فکر کنیم، آن وقت چاوز انتخاب داشت فساد را بپذیرد یا رد نماید. در تفکرات بسیار آشفته و آزاردهنده هتلند چون فساد وجود داشت، پس چاوز به مثابه انتخاب بد باید آن را پذیرفته باشد.



این یک تحلیل جدی نیست. به طرز بسیار آزار دهنده‌ای سطحی است، انبوهی از ادعاهای فضیلت‌مآبانه بر لایه‌ای از خیال‌پرستی است. هتلند ممکن بود به طرز بسیار آزار دهنده‌ای بگوید بحران ونزوئلا ساخته خود دولت است، زیرا چاوز در احاطه کردن خود با فرشتگان قادر به انجام معجزه قصور نمود.

هتلند از شیوه دیالکتیک آزار دهنده پاتریک باند، استیون زونس، و جلبیر الاشقر، دیگر دانشگاهیانی که با قطعیت بسیار، بر پایه تفکرات به طرز آزار دهنده‌ای سطحی، درباره پرسش‌های - هم تجربی و هم اخلاقی - حکم صادر می‌کنند، تقلید می‌نماید. ظاهراً، این‌ها نمی‌توانند در ژورنال‌های کارشناسی از این کارها بکنند، اما در «زدنت»، «ژاکوبین»، و «کانترپانچ» که سطح توقع برای تحلیل قابل دفاع پائین‌تر است، برای دراز کردن پای خود احساس راحتی می‌کنند.

هتلند خود را به مثابه استاد کبیر چپ، کسی که همه پاسخ‌ها را دارد و می‌تواند در فقط ۱۰۰۰ کلمه به همه پرسش‌هایی که او با اطمینان می‌گوید دشوار می‌باشند، پاسخ دهد. او مقاله خود را در «ژاکوبین» چنین شروع می‌کند: «ما به بحران ونزوئلا» (که فراموش نکنیم نتیجه تلاش واشنگتن برای سرنگون کردن دولت مادورو است) «چگونه باید پاسخ دهیم؟»، و پس از آن با یکسری «ما باید» ادامه می‌هد - گوئی او سرکشیشی است که به مؤمنان فرمان می‌دهد چگونه رفتار نمایند.

خنده‌آور این‌که او به ما می‌گوید هیچ پاسخ آسانی وجود ندارد، و سپس فوراً پاسخ‌های آسانی را به ما تحویل می‌دهد.

پاسخ آسان شماره ۱ - چاوز می‌توانست به وابستگی ونزوئلا به نفت خاتمه دهد.

پاسخ آسان شماره ۲ - چاوز باید به فساد پایان می‌داد.

پاسخ آسان شماره ۳ - چاوز باید... و غیره.

فقط اگر چاوز با هتلند، داور پاسخ‌های دشوار، مشورت کرده بود کل بحران پیش نمی‌آمد.

پاسخ آسان شماره ۴ - ما باید از فرشتگان حمایت کنیم.

این نیز نظر مرا جلب کرد: «نخستین وظیفه چپ‌ها ارائه همبستگی با ستم‌دیدگان است.» من فکر می‌کردم که نخستین وظیفه چپ‌ها برانداختن ستم، و دومین وظیفه ارائه همبستگی با پروژه‌های سازمان‌یافته برای برانداختن ستم است.

بدون اشاره به یک پروژه مشخص برای برانداختن ستم جمله «ما باید با ستم‌دیدگان همبستگی داشته باشیم» بی‌معنی است.

اریک درایتس از «کانترپانچ» نیز می‌گفت که چپ باید خود را به همبستگی با ستم‌دیدگان سوریه محدود نماید، اما روشن نبود که منظور او از «ستم‌دیده» کیست؟ به نظر می‌رسید منظور او سوری‌هایی باشند که نه از تلاش دولت ایالات متحده برای دیکته کردن سیاست‌های سیاسی و اقتصادی به سوریه حمایت می‌کنند و نه از دولتی که غیرتمندانه در برابر این مقاومت می‌نماید.

هتلند و درایتس صرفاً خواهان کنارگیری از جهان واقعی سیاست و اجتناب از سمت‌گیری در نبردهای بین پروژه سازمان‌یافته ستم‌گری و پروژه سازمان‌یافته غلبه بر آن می‌باشند. هنگامی که آن‌ها می‌گویند ما باید با ستم‌دیدگان همبستگی نشان دهیم منظور واقعی آن‌ها این است که ما نباید با پروژه‌های سازمان‌یافته مانند انقلاب بولیواری یا حزب عربی سوسیالیستی بعث- که می‌خواهند بر دیکتاتوری بین‌المللی ایالات متحده غلبه نمایند- همبستگی نشان دهیم.

این‌که ما از امپراتوری ایالات متحده حمایت کنیم یا نه اهمیتی ندارد، امپریالیسم امریکا راه خود را می‌رود. امپریالیسم امریکا برای این‌که عمل کند به همبستگی چپ نیاز ندارد. اما:

این‌که چپ از پروژه‌های سازمان‌یافته مقاومت در برابر امپریالیسم امریکا حمایت کند، بسیار اهمیت دارد. اما این پروژه‌ها است که باند، زونس، الاشقر، درایتس، و هتلند ترجیح می‌دهند چپ از آن‌ها حمایت نکند. روشن است این به سود کیست.

با وجود تمام سعی آن‌ها برای این که خود را مدافعان ستم‌دیدگان نشان دهند، هتلند و درایتس در سمت ایالات متحده ستم‌گر قرار می‌گیرند. هتلند نمایشی را از اذعان به محیط خصمانه داخلی و بین‌المللی اجراء می‌کند، اما در پایان دشواری‌های ونزوئلا را نه نتیجه محیط خصمانه داخلی و بین‌المللی و یا حتا تصمیم‌هایی که چاوز در چهارچوب محیط خصمانه داخلی و بین‌المللی گرفت، بلکه نتیجه «ندانم‌کاری‌های» چاوز معرفی می‌کند. هتلند تلاش‌های تغییر رژیم دولت ایالات متحده را برای پایان دادن به انقلاب بولیواری- که دشوار بتوان پنهان نمود- نادیده می‌گیرد.

بر این اساس، به نظر هتلند راحل بحران در برکنار کردن دولت ونزوئلا قرار دارد؛ مگر نه این‌که این دولت ونزوئلا است که به طرز بسیار آزار دهنده‌ای در وهله نخست بحران را به وجود آورده است؟ از این حکم این نتیجه حاصل می‌شود که برانداختن دولت ونزوئلا بحران را از بین خواهد برد. بر این اساس، هتلند، یک «گذار مسالمت‌آمیز» را توصیه می‌نماید. اما نمی‌گوید گذار به چه. مادام که مادورو برود بی‌طرفی دروغین هتلند خوشحال خواهد بود. همین‌طور هم مایک پمپئو، جان بولتون، و الیوت آبرامز.

<https://mltoday.com/jacobin-stabs-venezuela-in-the-front/>

---

عدالت: برای آشنائی بیشتر با نمایندگان این نحله از «چپ» نگاه کنید به:

۱- «ونزوئلا، بهشتی که جهنم شد»، نوشته انریکه کراوزه، ترجمه سپیده جدیری.

<https://www.radiozameh.com/394522>

۲- «داستان نگون‌سازی بهار عربی»، گفت‌وگو با جلیبر الاشقر.

<http://www.dinonline.com/prtf.ydviw6dvygiaw.html>

۳- «انقلاب آوازخوانی در استونی (۱۹۹۱-۱۹۸۶)»، استیون زونس، ترجمه محسن سازگار.

<https://www.nonviolent-conflict.org/wp-content/uploads/2009/04/Estonias-Singing-Revolution-Farsi.pdf>

۴- «ترمیسم: خطر واقعی دونالد ترامپ»، اریک درایتسر، ترجمه سامان، مجله هفته، ۱۲ اگست ۲۰۱۸.

۵- خنده‌دارتر کار «نبرد خلق» است که لاطائلات این «چپ» امپریالیست‌ها را چاشنی «نبرد انقلابی» خود نموده است.

[http://nabard3.blogspot.com/2019/03/blog-post\\_8.html](http://nabard3.blogspot.com/2019/03/blog-post_8.html)

منبع: مارکسیسم-لنینیسم امروز

تارنگاشت عدالت